

بررسی ماهیت فقهی استخراج رمز ارزها

حسین رنجبر

دانشجوی ارشد دانشگاه ادیان و مذاهب قم

وحید امیدی

دانشجوی ارشد پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی

ثریا جاویدان

طلبه سطح چهار حوزه علمیه جامعه النور شیراز

احمد محمدی (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی

mohammadi.ahmad199112@gmail.com

چکیده

وقوع رویداد های جدید در دنیای فناوری، فقها را جهت انطباق دادن آن با بایدها و نبایدها های فقهی و قاعده مند کردن این رویدادهای نوظهور به تلاشی مضاعف فرا می خواند. یکی از این فناوری ها، استخراج رمز ارزهاست. برای مشخص شدن حکم استخراج رمز ارزها و همینطور قاعده مند شدن آن در جستار حاضر به روش تحلیلی به بررسی ماهیت فقهی آن پرداخته شد. بررسی ها نشان می دهد؛ استخراج رمز ارزها با اجاره در شروط متعاقدين، ایجاب و شروط مربوط به مستاجر، انطباق ندارد و با حیازت مباحات نیز تفاوت موضوعی دارند بدین شکل که حیازت تنها به دو شکل اصلی و بالعرض اتفاق می افتد که در هیچ یک منطبق بر استخراج رمز ارزها نیست و این طور نیست که تعدادی رمز ارز وجود داشته باشد که فرد با به کارگیری ابزاری آنها را برگیرد تا جز معدن کاوری باشد بلکه درقبال کاری که انجام داده است، مقداری رمز ارز به او داده می شود. استخراج رمز ارزها در ماهیت، موجب و قابل و قبض با هبه تفاوت داشته و تنها بر جعاله عام قابل انطباق است ولی جعاله بودن آن به معنای آن نیست که این عمل مشروع است بلکه مشکلات دیگری همچون عدم مالیت رمز ارزها، سفهی بودن استخراج رمز ارزها و... وجود دارد که در پژوهش های دیگری باید مورد بررسی قرار گیرند.

کلید واژه: استخراج، رمز ارز، ماهیت فقهی، اجاره، هبه معوض، حیازت مباحات، جعاله

۱- بیان مسئله

امروزه با تغییر سبک زندگی بشر، پدیده های مختلفی در زندگی اجتماعی ظهور می کنند. استخراج رمز ارزها یکی از این پدیده های نو ظهور است. وقتی در جامعه اسلامی رویداد به ظاهر جدید و نوظهور به وقوع می پیوندد، فقها ابتدا به تشخیص موضوع آن می پردازند و سپس حکم مقتضی را صادر می کنند. در مورد استخراج رمز ارزها نیز باید گفت ابتدا لازم است قبل از دادن هر حکمی به این مسئله پرداخت که ماهیت فرایندی که طی آن رمز ارزها استخراج می شود، چیست؟ عقد یا ایقاع معین است و یا

هیچ یک از این دو؟ طبیعتاً ابتدا به این مسئله پرداخت که آیا می‌توان این ماهیت را بر عقد یا ایقاع منطبق نمود تا احکام و شروط مربوط به آن در استخراج رمز ارزها، رعایت شود سپس چنانچه بر یکی از عقود و یا ایقاعات موجود در فقه منطبق نشد، بحث از عقود نامعین و شرایط پایبندی و یا عدم آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. منطبق شدن استخراج رمز ارزها بر عقود یا ایقاعات مورد قبول شرع به معنای پذیرش این ماهیت نیست بلکه ابتدای راه است و بعد از مشخص شدن ماهیت آن باید به سوال‌های بسیاری که مربوط به وجود یا عدم وجود شروط عمومی همه عقود و ایقاعات و همینطور شروط و قوانین عقد یا ایقاع منطبق شده بر استخراج رمز ارزها پرداخت. پس مشخص شدن ماهیت و شکل سوری استخراج رمز ارزها امری ضروری است.

در استخراج رمز ارزها فرد با به‌کارگیری چندین رایانه، به حل معادله‌های رمزنگاری شده می‌پردازد و در مقابل حل آن‌ها، پاداش دریافت می‌کند. از نظر ظاهری استخراج رمز ارزها می‌تواند بر، جعاله، هبه، حیازت مباحات (استخراج معدن^۱ و گنج‌یابی)، منطبق گردد. در صورت عدم انطباق با هیچ یک از موارد فوق، باید به این مسئله پرداخت که باید تحت عنوان سید العقود یعنی صلح مورد بررسی قرار گیرد و یا آن را یک عقد نامعین تلقی کرد.

۲- پیشینه تحقیق

با توجه به اینکه ارزهای دیجیتال بحثی نوین به حساب می‌آید در این زمینه مقاله پایان‌نامه و کتابهای چندانی نگاشته نشده است. سه مقاله مرتبط به بحث حاضر وجود دارد؛

۱- بررسی فقهی پول مجازی (سلیمانی‌پور، سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۶) یکی از این مقالات است که در آن به برخی از چالش‌های محتمل در مشروعیت پول مجازی را مطرح پرداخته و مهمترین معضلات مشروعیت پولهای مجازی را ورود آن به عرصه حقیقی دانسته‌اند نویسندگان مقاله با استناد به قاعده لاضرر احترام اتلاف و مصلحت بر ممنوعیت شرعی استفاده از این ارزها مادام که دولت سیاست‌های پولی مناسبی برای آن نیندیشیده استدلال کرده‌اند. ۲- تحلیل فقهی کارکردهای پول‌های رمزنگاری شده مورد مطالعه بیت کوین (نواب پور، یوسفی و طالبی، ۱۳۹۷) نیز مقاله‌ای دیگر در این زمینه است که ابتدا ساختار و ساز و کار بیت کوین را بررسی کرده و با اتکا بر موضوع شناسی انجام شده پرسش‌های متعددی در رابطه با پول، معامله و استفاده از استخراج پول رمزنگاری شده مطرح کرده و به آنها پاسخ داده است در این مقاله جوانب فقهی این موضوع به صورت اجمالی بررسی شده و در ادامه نظر ۱۳ تن از مراجع تقلید در این زمینه را آورده است. ۳- ارزهای دیجیتال وجود دارد، بررسی فقهی استخراج و مبادله رمز ارزها با تمرکز بر شبکه بیت کوین (محسن خردمند، ۱۳۹۸). وی در این مقاله اشکالات قابل طرح در زمینه استخراج بیت کوین را مطرح و مشارکت با افراد ممنوع از تصرف را به عنوان تنها چالش پیش روی استخراج را مورد بررسی قرار داده است. این مقاله

^۱ در ماهیت فقهی معدن بین فقها اختلاف نظر وجود دارد؛

گروهی از فقها، معدن را مطلقاً از مباحات اصلیه می‌دانند و می‌گویند معادن ملک هیچ کس نیست و همه مردم نسبت به معدن یکسان هستند (محقق حلی ۱۴۱۸ ج ۱: ۶۴، علامه حلی بیتا ج ۵: ۴۳۹؛ شهید اول ۵۶: ۱۴۱۰؛ صاحب جواهر بی تا ج ۳۸: ۱۰۸).

برخی از فقها قائل هستند که مالکیت معدن تابع مالکیت زمین است؛ اگر زمین از زمین‌های انتقال باشد مثل زمین موات، معدن هم از انفال است؛ و اگر زمین از زمین‌های شخصیه باشد، معدن هم مالک شخصی دارد؛ و اگر زمین از زمین‌های مفتوح عنوه باشد، مالکش همه مسلمین هستند؛ یعنی، مالکیت معدن تابع مالکیت ارض است (شهید ثانی ۱۴۱۰ ج ۲: ۸۶؛ محقق اردبیلی ۱۴۰۳ ج ۴: ۲۹۸؛ امام خمینی ۱۴۲۱ ج ۱ و ۲: ۲۷۵۰). برخی از فقها معتقدند معادن مطلقاً از جمله انفالند (شیخ طوسی ۱۴۰۰: ۴۱۹؛ شیخ انصاری ۱۴۱۵: ۳۶۶)

بعدها به بررسی فقهی موضوع نیز می‌پردازد و اشکالاتی هم چون خروج ارز، اکل مال به باطل و قاعده لاضرر را به صورت اجمالی و هر کدام را در چند خط مورد بررسی قرار داده است. از آنچه گفته شد به وضوح مشخص است که تحقیق مستقلی در ماهیت استخراج رمز ارزها و میزان انطباق پذیری آن بر ابواب فقهی صورت نگرفته است.

۳- مفهوم شناسی

۳-۱- رمز ارز

رمزارها نوعی ارز مجازی هستند که از فناوری رمزنگاری در طراحی آنها استفاده شده است. عملیات رمزنگاری با کد کردن اطلاعات از طریق الگوریتم‌های پیچیده ریاضی انجام می‌شود، رمزنگاری اطلاعات به افزایش امنیت رمزارها کمک می‌کند. رمزارها برخلاف ارزهای دیجیتال و مجازی، غیر متمرکز هستند؛ توسط هیچ حکومت، سازمان یا ارگان خاصی کنترل نمی‌شوند و هیچ شخص یا نهادی توان کنترل یا دست‌کاری در آنها را ندارد (اخوان، ۱۳۹۸ ش، ۶۷)

۳-۲- بلاکچین

«Blockchain» از دو کلمه بلاک (Block) و چین (Chain) تشکیل شده است که به معنی زنجیره بلاک یا همان زنجیره بلوک است. اما چرا این نام را برای این تکنولوژی انتخاب کردند؟ اطلاعات در فناوری بلاک چین داخل یک سری بلاک‌هایی قرار می‌گیرند که این بلاک‌ها زنجیره‌وار به یکدیگر متصل هستند از این رو این تکنولوژی بلاک‌چین نام‌گذاری شده است، درست مطابق با نوع کارکردی که این تکنولوژی دارد (<https://bitpin.ir/academy/what-is-the-blockchain>).

۳-۳- ماینینگ

به فرآیند معتبر ساختن تراکنش افراد دیگر توسط کامپیوتر و سپس افزودن آن به یک لیست بلند و عمومی به نام بلاک چین که تراکنش‌های دیگر را نیز شامل می‌شود، «Mining» یا استخراج ارز دیجیتال می‌گویند (<https://khanesarmaye.com/cryptocurrency-mining/#gref>).

۴- فرآیند استخراج رمز ارز

ماینینگ یا استخراج رمز ارزها طی چند مرحله اتفاق می‌افتد؛

مرحله ۱: یک کاربر تراکنشی را انجام می‌دهد و سعی می‌کند تا ارز دیجیتال مدنظر خود را به شخص دیگری ارسال کند.
مرحله ۲: این تراکنش از طریق برنامه کیف پول پخش می‌شود و در آن لحظه منتظر می‌ماند تا توسط یک ماینر، روی این بلاک چین انتخاب شود. تا زمانی که ماینری آن را انتخاب نکرده است، این تراکنش در «استخر تراکنش‌های تأیید نشده» معلق می‌ماند. این استخر، مجموعه‌ای از معاملات تأیید نشده در شبکه است که در انتظار پردازش هستند. معاملات تأیید نشده، معمولاً در یک استخر بزرگ جمع‌آوری نمی‌شوند، بلکه بیشتر آن‌ها در استخرهای طبقه بندی شده کوچک قرار می‌گیرند.

مرحله ۳: ماینرهای موجود در شبکه - که گاهی به آن‌ها نود نیز گفته می‌شود - تراکنش‌ها را از این استخرها انتخاب کرده و آن‌ها را به شکل یک «بلاک» درمی‌آورند. یک بلاک در اصل شامل مجموعه‌ای از تراکنش‌ها - که در این لحظه شامل تراکنش‌های تأیید نشده است - به‌علاوه‌ی برخی اطلاعات اضافی دیگر مانند امضای دیجیتال، زمان‌سنج و غیره می‌شود. هر ماینر، بلاک تراکنش‌های خود را ایجاد می‌کند و چندین ماینر می‌توانند تراکنش مشابهی را انتخاب کنند که در بلاک آن‌ها گنجانده شود.

برای مثال: دو ماینر A و ماینر B را در نظر بگیرید، هر دو ماینر A و B می‌توانند تصمیم بگیرند که تراکنش X را در بلاک خود بگنجانند. هر بلاک چین، حداکثر اندازه بلاک خاص خود را دارد. در بلاک چین بیت کوین، حداکثر اندازه بلاک، ۱ مگابایت داده است. ماینرها قبل از افزودن تراکنش به بلاکشان، باید بررسی کنند که آیا این تراکنش - با توجه به تاریخچه‌ی بلاک چین - برای اجرا واجد شرایط است یا خیر.

اگر تراز کیف پول فرستنده ارز، با توجه به سوابق موجود در بلاک چین، از بودجه کافی برخوردار باشد، تراکنش معتبر تلقی می‌شود و می‌توان آن را به بلاک اضافه کرد. ماینرها معمولاً تراکنشی را در الویت قرار می‌دهند که هزینه‌ی تراکنش بالایی داشته باشد، زیرا در این صورت پاداش بالاتری را برای آن‌ها فراهم می‌کند.

مرحله ۴: ماینرها با انتخاب تراکنش‌ها و افزودن آن‌ها به بلاک خود، بلاکی از تراکنش‌ها را ایجاد می‌کنند. آنها در بلاک چین برای اضافه کردن این بلاک از تراکنش‌ها به یک امضا نیاز دارند. این امضا که به آن اثبات کار یا «proof of work» نیز گفته می‌شود با حل یک مسئله بسیار پیچیده ریاضی ساخته شده و برای هر بلاک از تراکنش‌ها منحصر به فرد است. هر بلاک یک مسئله ریاضی متفاوت دارد.

بنابراین هر ماینر روی یک مسئله متفاوت و مختص به بلاک خود، کار خواهد کرد. حل کردن هرکدام از این مسائل به اندازه‌ای دشوار است که برای حل آن باید از قدرت محاسباتی بالا و برق بسیار زیادی استفاده شود. این همان فرایندی است که به آن ماینینگ می‌گویند (<https://khanesarmaye.com/cryptocurrency-mining/#gref>).

۵- بررسی انطباق پذیری استخراج رمز ارزها با ابواب فقهی

۵-۱- انطباق پذیری استخراج رمز ارزها با اجاره

اجاره بودن استخراج رمز ارزها بدین شکل قابل تصور است که فردی که شبکه بلاک چین را طراحی کرده به قصد گسترش رمز ارزها و حفظ امنیت شبکه، افرادی را اجاره نموده تا با استفاده از کامپیوترها، در قبال حل معادلات ریاضی و رمز گذاری و تأیید معاملات رمز ارزها، مقدار مشخصی رمز ارز به عنوان حق الزحمه به آنها پرداخت نماید.

برای ارزیابی صحت این ادعا باید به بررسی میزان انطباق استخراج رمز ارزها با ارکان اجاره - تعریف، ایجاب و قبول، متعاقدين، عوض، منفعت - پرداخت.

۵-۱-۱- ماهیت، ارکان و شروط اجاره

۵-۱-۱- ماهیت اجاره

فقها تعاریف گوناگونی از اجاره نموده اند؛ شهید اول آن را عقدی می داند که برای تملیک منفعت معلوم در مقابل عوض معلوم بسته می شود ((عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، ۱۴۱۰ ق، ۱۵۵) کرکی در تعریف اجاره می نویسد؛ عقدی است که ثمره آن نقل منافع در مقابل عوض معلوم با وجود بقاء ملک در اصل است (کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین، ۱۴۱۴ ق، ۷، ۸۰) وی در کتاب رسائل تعریف دیگری از اجاره نموده و می نویسد؛ عقدی است که ثمره آن نقل منفعت خاصه در قبال عوض معلوم متمول است (کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین، ۱۴۰۹ ق، ۱، ۱۹۴) حائری در تعریف اجاره لفظ عقد را وارد نکرده و می نویسد؛ اجاره تملیک منفعت معلوم در قبال عوض معلوم است (حائری، سید علی بن محمد طباطبایی، ۱۴۱۸ ق، ۱۰، ۷) آنچه مسلم است در تمامی تعاریف انتقال منافع، عوض معلوم وجود دارد ولی برخی از تعاریف سعی در وارد کردن شروط صحت عقد در تعریف آن نموده اند.

۵-۱-۱-۲- ایجاب و قبول

الفاظ مختلفی برای قرار گرفتن در ایجاب و قبول توسط فقها نقل و نقد شده است آنچه در این بخش مهم است، میزان اهمیت استفاده از لفظ است چرا که قطعا در استخراج رمز ارزها به لفظی برای ایجاب و قبول رد و بدل نمی شود. صاحب جواهر معتقد است برای تحقق مسمای اجاره باید ایجاب و قبول و عبارت صریح در میان باشد (نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، ۱۴۰۴ ق، ۲۷، ۲۰۴). علامه حلی نیز صدور ایجاب و قبول را لازم می داند (حلی، علامه، ۱۴۱۳ ق، ۲، ۲۸۱). عاملی به صراحت تمامی شروطی مانند تنجیز، عربی بودن در صورت تمکن، ماضی بودن الفاظ که ایجاب و قبول دیگر عقود لازم دارد را در اجاره شرط می داند (عاملی، سید جواد بن محمد حسینی، ۱۴۱۹ ق، ۱۹، ۲۱۷).

نکته بسیار مهم این است که بیشتر فقهای متاخر معاطات در غیر بیع را جاری دانسته اند؛ آخوند خراسانی در حاشیه خود بر مکاسب می نویسد: ظاهر این است که معاطات در دیگر عقود نیز به دلیل اطلاق ادله و سیره جاریست. البته در ادامه جریان معاطات در عقود مثل رهن را به دلیل منافاتی که با معاطات دارد، رد می کند (آخوند خراسانی، ۱۴۰۶ ق، ۲۰). امام خمینی نیز در این خصوص می نویسد: مقتضای قاعده، جریان معاطات در همه عقود و ایقاعاتی است که با فعل می توان آنها را ایجاد کرد (امام خمینی، ۱۴۲۱ ق، ۱، ۲۶۷). مرحوم خوانساری نیز جریان معاطات در عقود که معاطات در مسمای آنها داخل شده را می پذیرد (خوانساری، بی تا، ۹۲).

۵-۱-۱-۳- متعاقدين

متعاقدين از ارکان اجاره بوده و علاوه بر کمال، جواز تصرف (حلی، علامه، ۱۴۱۰ هـ ق، ۱، ۴۲۱؛ حلی، علامه، ۱۴۱۳ ق، ۲، ۲۸۱) نیز در آن دو شرط است. پس کودک و همچنین سفیهان و مفلسین نمی توانند طرفین عقد اجاره قرار گیرند (حلی، علامه، ۱۴۱۰ هـ ق، ۱، ۴۲۱).

۵-۱-۱-۴- عوض

همانطور که در تعریف گذشت، به اعتقاد فقها عوض در اجاره باید معلوم باشد (حلی، علامه، ۱۴۱۳ ق، ۲، ۲۸۱)

۵-۱-۱-۵- منفعت

منفعتی که در اجاره از عین خارجی (انسان، حیوان، شی) نشأت می‌گیرد باید دو شرط داشته باشد؛ مباح باشد و معلوم (حلی، علامه، ۱۴۱۳ ق، ۲، ۲۸۱) پس وقتی انسانی به عنوان مستاجر قرار می‌گیرد باید عملی که انجام می‌دهد نیز این دو شرط را داشته باشد. علامه حلی در مورد معلوم بودن عمل می‌نویسد؛ اگر برای عملی اجیر شده است، باید به وسیله زمان_مثل مانند یک روز خیاطی_ یا محل عمل_ مانند اجیر کردن برای دوختن لباس معین_ معلوم گردد (همان).

۵-۱-۲- بررسی میزان انطباق رمز ارزها با اجاره

از آنچه گفته شد مشخص می‌شود در چند مورد استخراج رمز ارزها با اجاره منطبق است؛

الف) استخراج رمز ارزها را می‌توان در تعریف بر اجاره منطبق دانست زیرا طبق تعاریف، منفعتی در قبال عوضی مشخص منتقل می‌شود. در استخراج رمز ارزها نیز فردی منفعت مشخصی که همان حل معادله ریاضی، رمزگذاری و تایید معاملات است را در قبال دریافت عوض معلومی انجام می‌دهد.

ب) عوض در استخراج رمز ارزها نیز معلوم است زیرا هر یک از رمز ارزها بسته به نوع طراحی که دارد پاداشی برای استخراج رمز ارزها قرار می‌دهد، به طور مثال در حال حاضر، پاداش استخراج بلوک در بیت کوین، 6.25 BTC است. در جدول زیر پاداش برخی از رمز ارزها آورده شده است.

ج) عمل انجام شده در استخراج رمز ارزها نیز منطبق بر عمل مستاجر است زیرا؛

اولاً؛ مقصود عقلاً است به طوری که امروزه اقشار مختلفی اقدام به استخراج رمز ارزها می‌کنند و با توجه به سودآوری نسبتاً خوبی که دارد، مورد رغبت عقلاً قرار گرفته است.

ثانیاً؛ عمل معلومی است زیرا؛ عمل (ماینینگ) به چند روش قابل اجراست که همگی فرایندی مشخص هستند.

ثالثاً؛ عملی جایز است زیرا؛ تا وجود نهی از جانب شرع که به نوعی این عمل را در بر گیرد ثابت نشود نمی‌توان از این عمل بازداشت.

وجود حکم اولیه برای عدم مشروعیت رمز ارزها، منتفی است چرا که استناد به آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» برای عدم مشروعیت استخراج رمز ارزها نیاز به دو مقدمه دارد؛

مقدمه اول: استخراج رمز ارزها مصداق اکل به باطل است. مقدمه دوم: هر چه مصداق اکل به باطل باشد نامشروع است. نتیجه: پس استخراج رمز ارزها نامشروع است.

اشکال این استدلال در مقدمه اول است بدین صورت که ابتدا باید تمام ادله بررسی شود و در صورتی که ادله، وجود اشکال شرعی در این فرایند را اثبات نمایند می توان استخراج آن را مصداق اکل به باطل دانست. پس با استناد به خود این آیه نمی توان استخراج رمز ارزها را منهی عنه دانست.

استناد به قاعده لاضرر به حکم اولیه و یا ثانویه نیز دچار مشکل است و نمی توان به جهت مصرف برق زیاد و ضرری که ممکن است از این ناحیه به دیگران برسد، آن را نامشروع قلمداد کرد چرا که به راحتی می توان با انرژی های تجدید پذیر، برق آن را بدون این که ضرری به دیگران برساند، تامین کرد.

ولی با این حال انطباق رمز ارزها با اجاره چند اشکال اساسی دارد؛

الف) عدم تطبیق استخراج رمز ارزها با اجاره در متعاقبین؛ شرط کمال در استخراج رمز ارزها وجود ندارد زیرا؛ استخراج کننده می تواند صبی متمیز باشد و شرط جواز تصرف وجود ندارد زیرا هر شخصی با روش هایی که برای استخراج وجود دارد می تواند به این عمل اقدام نماید. با توجه به این که ناکاموتو به عنوان مبدع رمز ارزها ماهیت مشخصی ندارد، نمی توان دو شرط کمال و جواز تصرف را در وی احراز نمود.

ب) عدم تطبیق استخراج رمز ارزها با اجاره در ایجاب؛ توجه به اینکه بیانیه لفظی رسمی^۲ به دلیل مجهول بودن هویت مبدع رمز ارز- برای استخراج رمز ارزها منتشر نشده است و تنها شاید بتوان، انتشار مقاله و توضیح چگونگی سیستم بیت کوین و یا نسخه نرم افزاری که در سال ۲۰۰۹ و شروع استخراج رمز ارزها به عنوان ایجاب فعلی و به شکل معاطاتی در نظر گرفت. با فرض پذیرش معاطات در اجاره، درست است که فرد با خرید لوازم مورد نیاز استخراج و راه اندازی آن، منفعت عمل خویش را در جهت اهداف ایجاد کننده رمز ارزها قرار می دهد و در قبال آن عوض دریافت می کند ولی قطعا ایجاب های جداگانه برای تک تک افرادی که در حال استخراج هستند صادر نشده است

ج) عدم تطبیق استخراج رمز ارزها با اجاره در مستاجر؛ اجاره چنین قابلیت را ندارد که فرد اجیرشده، از نظر تعداد و هویت نامشخص باشد و یا یک عقد برای تعدادی نامعلوم و با هویت نامشخص، منعقد گردد. ولی در استخراج رمز ارزها این قابلیت وجود دارد.

۵-۲- انطباق پذیری استخراج رمز ارزها بر حیازت مباحات

حیازت به معنای تحت سلطه در آوردن چیزی است و از نظر فقهی چنانچه فردی مال مباح منقولی^۲ را تحت سلطه خویش در آورد تحت شرایطی مالک آن می شود (یزدی، سید مصطفی محقق داماد، ۱۴۰۶ ه ق، ۱، ۲۵۹). با توجه به اینکه استخراج کننده رمز

^۲ مباحات دو قسم اند؛

الف) انفال؛ به نظر فقهای مشهور، انفال در زمان غیبت از مباحات محسوب می گردد و حسب مورد، مشمول قاعده احیا یا حیازت خواهد بود (الروضه البهیة، ج ۲، ص ۸۵)

ب) مباحات

ارزها با به کارگیری ابزارهایی به استخراج چند رمز ارز می پردازد. و این مال نیز مباح و منقول است، استخراج کننده می تواند طبق شرایط حیات مباحات، مالک رمز ارزهای استخراج شده باشد. طبق تعریف اولیه، مشکلی در انطباق وجود ندارد ولی آیا تمامی شروطی که فقها برای حیات مباحات ذکر کرده اند در استخراج رمز ارزها وجود دارد؟ در ادامه ابتدا به بررسی شروط و ارکان حیات مباحات و سپس وجود آنها در استخراج رمز ارزها پرداخته می شود؛

۵-۲-۱- شروط و ارکان حیات مباحات

۵-۲-۱-۱- قصد حیات و تملک

یکی از شروط معتبر در حیات، قصد است که فقها آن را در دو عنوان قصد حیات و قصد تملک آورده اند.

برخی از فقها برای تحقق حیات قصد حیات را معتبر نمی دانند و معتقدند حتی اگر فردی بدون این که قصد حیات داشته باشد، این عمل اتفاق افتد مالک خواهد شد. و حتی اگر قصد عدم حیات کرده باشد نیز مالک می شود (نجفی، صاحب الجواهر، ۱۴۰۴ ق، ۳۸، ۲۷۴) برخی نیز معتقدند از آنجا که قوام حیات به اراده و قصد حیات کننده است و بدون قصد و اراده، ملکیت متحقق نمی گردد (مصطفوی، سید محمد کاظم، ۱۴۲۱ ه ق، ۲۸۳؛ یزدی، سید مصطفی محقق داماد، ۱۴۰۶ ق، ۱، ۲۵۱) بنابراین چنانچه کسی چیزی از اشیای مباح را بدون توجه، متصرف و بر آن مستولی شود، مالک آن نخواهد شد. مثلا اگر کبوتری در خانه کسی وارد گردد یا ماهی در کشتی کسی بپرد و صاحب خانه و کشتی قصد صید و حیات نداشته باشد، مالک آن نمی گردند. دلیل این مطلب آن است که اولاً صدق حیات، متوقف بر قصد است و مادام که قصد نباشد، اصولاً صدق مفهوم تصرف و استیلا محل تأمل و تردید است و لذا چیزی که بدین گونه به استیلائی شخص درآمده به حالت اباحه اولی خود باقی خواهد ماند؛ و ثانیاً بنای عقلا که مهم ترین دلیل و پشتوانه قاعده است دلالت دارد که عقلا کسی را که هیچ گونه قصدی در عمل نداشته مالک نمی دانند (محقق داماد، ۱۴۰۶ ق، ۱، ۲۵۱).

حال آیا علاوه بر قصد حیات، قصد تملک نیز لازم است یا همین که حیات کننده در انجام عمل حیات، قصد کند و بی اراده نباشد، برای ملکیت کفایت می کند؟ وجود یا عدم وجود قصد تملیک نیز مورد اختلاف فقهاست؛ برخی قصد تملک را شرط حیات نمی دانند (مصطفوی، سید محمد کاظم، ۱۴۲۱ ه ق، ۲۸۳) ولی گروهی دیگر قصد تملیک را لازمه حیات می دانند (عاملی، شهید اول، ۳، ۶۱؛ مازندرانی، علی اکبر سیفی، ۱۴۲۹ ه ق، ۲۳۶؛ یزدی، سید مصطفی محقق داماد، ۱۴۰۶ ق، ۱،

۱. مباحات اصلی: کلیه ثروت های طبیعی بجز آن دسته که جزء انفال محسوب می گردند و مالک خاص ندارند، جزء مباحات اصلی محسوب می شوند، مانند آب ها، علف ها، حیوانات دریایی، کبوتران هوا و اشیایی که در درون دریاها قرار دارند (قواعد فقه (محقق داماد)، ج ۱، ص: ۲۶۰؛ یزدی، سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه (محقق داماد)، ۴ جلد، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران - ایران، دوازدهم، ۱۴۰۶ ه ق).

۲. مباحات بالعرض: مباحات بالعرض آن دسته از اموالی هستند که هر چند متعلق حق مالکیت هستند، ولی به جهتی این رابطه قطع گردیده و حکم اموال مباح بر آنها جاری می گردد. از مصادیق روشن این مباحات، اشیای پیدا شده و اموالی است که مورد اعراض مالکین قرار گرفته اند و نیز دفینه ها و گنج ها (همان)

۲۵۱) و معتقدند آنچه موجب مالکیت می‌گردد قصد تملك است و صرف توجه و قصد نسبت به اصل حيازت برای تحقق ملكيت كافي نيست. به تعبير ديگر، علاوه بر قصد فعل (حيازت) قصد نتيجه (تملك) نيز لازم است. البته قصد اجمالي و ارتكازي كفايت مي‌كند و نيازى به قصد تفصيلي نيست. مويد اين مطلب مالك نشدن صبي غير مميز به صرف سلطه بر مباحات، است.

۵-۲-۱-۲-۲- اهليت حيازت كننده

با توجه به اين كه حيازت از ايقاعات است و قصد انشا لازم دارد، حيازت‌كننده بايد واجد اهليت باشد، اعم از اهليت تملك و اهليت تصرف؛ يعنى بايد عاقل، بالغ و رشيد باشد تا بتواند مالك مال حيازت شده گردد. بسيارى از فقها، اعم از قداما و متأخران، (شيخانصاري، بى تا، ص ۱۱۵) با استدلال‌هاى مختلف، حيازت توسط صغير مميز و سفيه را موجب ملكيت آنان شمرده‌اند و التفات و توجه صغير مميز و سفيه برای ترتب حكم وضعى ملكيت را كافي مى‌دانند (اراكى، محمد على، بى تا، ۱، ۲۴۴؛ خويى، ابو القاسم، بى تا، ۲، ۲۲۹؛ يزدي، سيد مصطفى محقق داماد، ۱۴۰۶ ق، ۱، ۲۵۳)

۵-۲-۱-۳- اصالت و مباشرت حيازت كننده

فقهاى متقدم و متاخر اختلاف عميقي در اين كه آيا حيازت از طريق وكالت و اجاره، تحقق‌پذير است يا آن كه شرط اصالت و مباشرت معتبر است، دارند؛ خويى، حيازت مباحات را از امور غير قابل نيابت مى‌داند (بروجردى، بى تا، ۳۵۶). صاحب جواهر معتقد است، محقق حلى در شرايع، در اواخر كتاب شركت، اجاره برای حيازت را جايز و صحيح، و اموال حيازت شده را ملك كارفرما دانسته است (نجفى، صاحب جواهر، ۲۶، ۳۳۹)، شهيد ثانى در حاشيه بر عبارت محقق حلى در هر دو مورد (كتاب شركت و كتاب وكالت) نظر بر صحت حيازت از طريق اجاره و وكالت و نيابت داده است؛ البته مشروط بر اينكه اجير و وكيل و نايب، قصد تملك برای مستأجر و موكل كنند (شهيد ثانى، ۴، ۳۳۸؛ ۵، ۲۵۷)

با توجه به اينكه قصد تمليك در حيازت شرط است، اگر وكيل يا اجير قصد تملك برای موكل و مستأجر نمايند، مى‌توان قائل به صحت شد و در مورد اجير شايد به طور مطلق بتوان حكم به صحت دارد زيرا اجير در حيازت همچون ابزار تملك خواهد بود.

۵-۲-۲- بررسى انطباق استخراج رمز ارزها بر حيازت مباحات

از آنچه در مورد شروط و ارکان حيازت و مباحات گفته شد مشخص مى‌شود؛

در استخراج رمز ارزها همچون حيازت، ماینر (استخراج‌كننده) به قصد تسلط و بدست آوردن و مالك شدن تعدادى رمز ارز اقدام به راه اندازى دستگاه ها و به كار گيرى روش هاى مى‌كند. پس هم قصد حيازت و هم قصد تملك در وی وجود دارد. از طرفی همچون حيازت، صبی مميز و محجور (سفیه یا مفلس) نیز می‌توانند به استخراج رمز ارزها پردازند. در مورد شرط اصالت و مباشرت نیز باید گفت؛ اگر وجود این شرط در حيازت ضرورى باشد در اين صورت نيز استخراج با حيازت مباحات منطبق است

چرا که فقط اجیر کردن یا وکالت و نیابت در استخراج با مشکل مواجه می شود ولی اگر استخراج کننده اصیل و مباشر باشد، مشکلی پیش نمی آید، هر چند، فقهای بزرگی همچون شهید ثانی و... وکالت و اجیر گرفتن در حیازت را بدون اشکال دانسته اند.

با وجود منطبق بودن این دو در ارکان و شروط، یک مشکل عمده باقی می ماند و آن تفاوت موضوع این دو ماهیت است. حیازت مباحات به دو شکل متصور است؛ اصلی و بالعرض. نمی توان این عمل را در قالب مباحات اصلی، تصور کرد، چرا که فقها آنچه در طبیعت به صورت مباحات وجود دارد و سابقه ملکیت آن مشخص نیست را مباح اصلی می دانند. ممکن است چنین اشکال شود که؛ معنای «Mining» در لغت به معنی معدن کاوی است و معدن کاوی در فقه اسلامی یکی از انواع حیازت مباحات اصلی به شمار می رود، لذا باید استخراج رمز ارزها نوعی حیازت مباحات به شمار رود. در جواب به این پرسش باید گفت؛ با اندکی تأمل در مراد فقها از معدن و همینطور مباحات اصلی می توان به این نتیجه رسید که مراد فقها از معدن، منابعی است که به شکل معدن در درون و بیرون زمین قرار دارد پس نمی توان به صرف تشابه در نامگذاری، آنها را یکسان تصور نمود. در واقع در حیازت معدن، چیزی پنهان و یا قابل استخراج وجود دارد و با تلاش می توان آن ها را استخراج کرد ولی در رمز ارزها این طور نیست که تعدادی رمز ارز وجود داشته باشد که فرد با به کارگیری ایزاری آنها را برگیرد بلکه درقبال کاری که انجام داده است، مقداری رمز ارز به او داده می شود. مباحات بالعرض بودن استخراج رمز ارزها نیز دشوار است چراکه در این نوع از مباحات باید از مال موجود روی گردانی و اعراض صورت گیرد تا بتوان قصد تملیک نمود. در واقع قوام مباح بالعرض به اعراض است. ولی در استخراج رمز ارزها، اعراضی صورت نمی گیرد. وجود این اشکال اساسی به طور قطع مانع از پذیرش این فرض می دهد.

۵-۳- انطباق پذیری استخراج رمز ارزها با هبه معوض

هبه عقدی است که در آن فردی عینی را بدون عوض به ملکیت فردی دیگر در می آورد. می توان در هبه شرط عوض نمود، که در این صورت عقد لازم و غیر قابل رجوع می شود. اما آیا می توان فرض را طوری مطرح کرد که استخراج رمز ارزها نوعی هبه معوض باشد؟

اگر استخراج رمز ارزها را بدین گونه تصور کنیم که فردی اعلام کند؛ چند رمز ارز هدیه دادم به شخصی که درقبال این هدیه من، عمل ماینینگ (استخراج) را انجام دهد. در این صورت می توان آن را به عقد هبه معوضه نزدیک نمود. ولی آیا این تصور درست است؟ هبه چند رکن و شرط دارد که به شکل خلاصه آورده می شود و سپس می توان انطباق استخراج با عقد هبه معوض را بررسی کرد.

۵-۳-۱- ارکان و شروط هبه معوض

۵-۳-۱-۱- ایجاب و قبول

عقد^۳ هبه در صورتی که شرایط لزوم در آن جمع شود، تمامی شروط عقود لازم، باید در آن رعایت شود (عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۶، ۵). با این حال در وجود معاطات در هبه اختلاف نظر وجود دارد، برخی معاطات در هبه را جایز می دانند (نجفی، صاحب الجواهر، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۲۸، ۱۵۹). برخی دیگر به صراحت معاطات در هبه را باطل دانسته اند و معتقدند در این صورت، صرفاً اباحه تصرف است (حلی، علامه ۱۴۱۳ هـ.ق، ۲، ۴۰۵). از نظر شهید ثانی، ظاهر کلام اصحاب، نیاز هبه مطلقاً به عقد قولی فی الجمله را می رساند (عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۶، ۵). در هبه صادرکننده ایجاب و قبول باید جایز التصرف باشد. پس صبی ممیز نمی تواند طرف عقد قرار گیرد (همانجا)

۵-۳-۱-۲- موهوب

به اعتقاد فقها، هر آنچه که بیع آن صحیح است، هبه آن نیز صحیح است (حلی، علامه ۱۴۱۳ هـ.ق، ۲، ۴۰۶). به اعتقاد امام خمینی، هبه شده باید عین باشد (خمینی، سید روح الله موسوی، بی تا، ۲، ۵۶).

۵-۳-۱-۳- قبض

سومین شرط مهم در هبه قبض است و باید واهب هنگام عقد، موهوبه را به قبض هبه گیرنده درآورد (حلی، علامه، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۲، ۴۰۷؛ عاملی، سید جواد بن محمد حسینی، ۱۴۱۹ ق، ۲۲، ۹۷).

۵-۳-۱-۴- عوض

هبه ممکن است معوض باشد و بنابراین واهب می تواند شرط کند که متهب مالی به او هبه کند یا عمل مشروعی را مجاناً بجا آورد (امامی، سید حسن، بی تا، ۲، ۳۸۸). این عوض می توان در خود عقد در نظر گرفته شود و یا اینکه در عقد آورده شود سپس داده شود (نجفی، صاحب الجواهر، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۲۸، ۱۵۹). در هبه معوض در صورتی که عوض به واهب داده نشود، هبه کننده می تواند از هبه رجوع نماید (حلی، علامه ۱۴۱۳ هـ.ق، ۲، ۴۰۹).

(

۵-۳-۲- بررسی انطباق رمز ارزشها با هبه معوض

بررسی شروط و ارکان هبه، نشان می دهد؛ در برخی از موارد استخراج رمز ارزشها می توانند بر هبه‌ی معوض منطبق شود؛

^۳ از آنجا که عادتاً هدایا بدون نطق قبول می شوند، شرط نبودن قبول نیز قائل دارد. (ن.ک؛ نجفی، صاحب الجواهر، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۲۸، ۱۵۹).

الف) موهوب؛ در عقد هبه آنچه هدیه داده می‌شود باید عین باشد در استخراج رمز ارزها نیز آنچه به استخراج‌کننده داده می‌شود عین است.

ب) عوض در هبه‌ی معوض می‌تواند عین یا عمل مشروع باشد، در استخراج رمز ارزها نیز ماینر عملی را در قابل دریافت تعداد رمز ارزی که از سیستم، انجام می‌دهد.

ج) ایجاب و قبول؛ اگر اختلافی که مربوط به لزوم عقد قولی در هبه وجود دارد نادیده گرفته شود و معاطات در هبه پذیرفته گردد، در این صورت انطباق آن بر استخراج رمز ارزها بدون اشکال خواهد بود.

باین حال انطباق استخراج رمز ارزها بر هبه مشکلات بسیار جدی دارد؛

زیرا اولاً استخراج رمز ارزها روح هبه و هدیه را ندارد چراکه سیستم ابتدائاً هیچ قصدی برای دادن هدیه ندارد و تنها آن را در قابل انجام عملی که خواسته شده است می‌پردازد. در واقع در هبه فرد با نیتی که در ذهن دارد اقدام به دادن هدیه‌ای می‌کند و در قابل آن شرط عوض می‌نماید ولی در استخراج رمز ارزها ابتدا عمل خواسته می‌شود و سپس بعد از انجام شدن عمل دلخواه مقداری رمز ارز به فرد تعلق می‌گیرد و این نشان می‌دهد استخراج رمز ارزها با عقد هبه کاملاً بیگانه است

ثانیاً؛ موجب و قابل در استخراج رمز ارزها فرد می‌تواند مهجور و یا کودک ممیز باشد ولی در هبه این اتفاق ناممکن است ثالثاً؛ در هبه، قبض موهوب هنگام اجرای عقد از شرایط صحت شمرده شده است. ولی در استخراج رمز ارزها می‌بینیم تا وقتی عمل انجام نشده باشد هیچ چیزی به استخراج‌کننده تعلق نمی‌گیرد.

۴-۵- انطباق پذیری استخراج رمز ارزها با جعاله

آخرین باب فقهی که می‌توان استخراج رمز ارزها را بر آن منطبق دانست؛ جعاله است. بدین شکل که فردی به شکل عمومی ایجابی صادر کرده و در آن، انجام عملی را خواسته است و در قابل آن تعدادی رمز ارز به شخصی که عمل مشخص شده را انجام دهد، پرداخت می‌کند. برای بررسی انطباق، ابتدا ماهیت و قواعد جعاله، در چند بخش، بررسی می‌شود؛

۴-۵-۱- ارکان و شروط جعاله

۴-۵-۱-۱- ایجاب و قبول

فقها ایجاب در جعاله را با عبارت های مختلفی بیان نموده اند که در همه آن ها مفهوم واحدی لحاظ شده که همان درخواست انجام عمل در مقابل عوض است ولی در لزوم همراهی قبول در جعاله، بین فقهای امامیه اختلاف نظر وجود دارد؛ ایقاع یا عقد بودن جعاله

فقهای بزرگی همچون محقق خوئی، حکیم و امام خمینی، نظر به ایقاع بودن جعاله (خوئی، ۱۴۱۰ هـ ق، ۲، ۱۱۶؛ حکیم ۱۴۱۶ هـ ق، ۱۳، ۶۴؛ خمینی، ۱۴۲۵ هـ ق، ۲، ۵۱۳) و علامه حلی و محقق ثانی نظر به عقد بودن جعاله دارند (علامه حلی، ۱۴۱۴ هـ ق، ۱۷، ۴۲۳)؛ عاملی، ۱۴۰۹ هـ ق، ۱، ۱۹۴). برخی نیز جعاله خاص را عقد و جعاله عام را ایقاع دانسته اند (طاهری، ۱۴۱۸ هـ ق، ۴، ۲۸۶). در این میان صاحب جواهر جعاله را نوعی تسبیب شرعی می‌داند (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ هـ ق، ۳۵، ۱۹۰). برای عقد نبودن جعاله چند دلیل عمده ذکر شده است؛

دلیل اول؛ شرط اهلیت وجود ندارد؛ اگر صغیر ممیز بدون اذن ولی خود عمل مورد استدعای جاعل را انجام دهد مستحق عوض است بلکه بعضی این حکم را به صغیر غیر ممیز و مجنون نیز سرایت داده اند اگر جعاله از عقود محسوب می‌شد نمی

بایست این اشخاص را مستحق اجرت دانست زیرا در عقود قبول معتبر است خواه قولی باشد خواه فعلی در حالی که قول و فعل این اشخاص مناط اعتبار نبوده و فاقد اهلیت هستند (صاحب الجواهر، ۱۴۰۴ هـ ق، ۳۵، ۱۸۷)

دلیل دوم؛ در عقد تقاعد طرفین، قصد می شود ولی این شرط در جعاله مفقود است مخصوصاً اگر کسی بدون اینکه عبارت جاعل را شنیده باشد با قصد دریافت عوض، عمل مطلوب را انجام دهد، مستحق عوض تعیین شده خواهد بود حال آنکه این امر با عقد بودن جعاله سازگار نیست (صاحب الجواهر، ۱۴۰۴ هـ ق، ۳۵، ۱۹۰)

دلیل سوم؛ اگر شخصی در حال استدعای جاعل قصد عمل داشته و سپس منصرف شود هرچند شروع به کار کرده باشد این انصراف مانع نخواهد بود از اینکه بعداً عمل را بجا آورد و مستحق اجرت شود صدق جعاله در امثال این موارد دلیل بر این است که جعاله از ایقاع و مصداق تسبیب است وگرنه اگر انصراف عامل را از باب فسخ بدانیم محتاج به ایجاب جدید خواهد بود (طاهری، ۱۴۱۸ هـ ق، ۴، ۲۸۷).

دلیل چهارم؛ در جعاله مقارنه بین ایجاب و قبول شرط نیست در حالی که در همه عقود این مقارنه شرط است و دلیلی هم وجود ندارد که جعاله از این قانون استثنا شده باشد (صاحب الجواهر، ۱۴۰۴ هـ ق، ۳۵، ۱۹۰)

به نظر می رسد دلایلی که برای عقد نبودن جعاله مطرح شده اند، تنها ناظر بر جعاله عام باشند زیرا در سه دلیل اول، عام بودن صیغه ایجاب، مفروغ عنه فرض شده است. در مورد دلیل چهارم نیز باید گفت عدم اعتبار مقارنه در ایجاب و قبول جعاله خاص، امر مسلمی نیست. بنابراین به نظر می رسد جعاله عام نوعی از ایقاعات و جعاله خاص از جمله عقود باشد. با توجه به آنچه در ایجاب و قبول اجاره گذشت معاطات در جعاله نیز جریان دارد. به طور مثال صاحب جواهر به وجود معاطات در جعاله اشاره می کند و می نویسد؛ معاطات در جعاله هر فعلی_ کتابت یا غیر آن_ است که بر جعاله دلالت کند، هر چند از نظر حکم، تفاوتی میان فعل و صیغه وجود ندارد (صاحب الجواهر، ۱۴۰۴ هـ ق، ۳۵، ۱۸۷)

۵-۴-۱-۲- جاعل

فقها شروطی برای جاعل ذکر کرده اند؛ محقق حلی و علامه حلی قید «اهلیه الاستیجار» را برای جاعل شرط دانسته اند (محقق حلی، ۱۴۰۸ هـ ق، ۳، ۱۲۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ هـ ق، ۲، ۲۱۵) شهید ثانی مراد از این قید در کتاب شرایع را همان مطلق التصرف بودن جاعل می داند (شهید ثانی، ۱۴۱۳ هـ ق، ۱۱، ۱۴۷). علامه حلی در کتاب تذکره الفقها «أهل الاستیجار مطلق التصرف» را به عنوان شرط جاعل ذکر کرده است که به نظر می رسد مطلق التصرف توضیحی برای اهل استیجار بودن جاعل باشد (علامه حلی، ۱۴۱۴ هـ ق، ۱۷، ۴۲۳). احتمالاً شباهت جعاله و اجاره و وجود مقابله منفعت با مال در هر دو، در شرط اهلیه الاستیجار برای جاعل موثر بوده است. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ هـ ق، ۱۱، ۱۴۷). شهید اول در بیان این شرط از «کمال و عدم الحجر» (شهید اول، ۱۴۱۰ هـ ق، ۱۶۵) و اردبیلی از «اهلیه التصرف» (اردبیلی، ۱۴۰۳ هـ ق، ۱۰، ۱۴۷) استفاده نموده اند که این تعبیر متفاوت، همگی نشانگر عدم صحت جعاله از طرف صبی، مجنون، سفیه، مفلس بعد از حجر و مکره و غیر قاصد، خواهد بود.

۵-۴-۱-۳- عامل

از آنچه فقها در مورد ویژگی‌ها و شروط عامل گفته‌اند، چنین بدست می‌آید که؛

۱- رعایت شروط جاعل در عامل شرط نیست و در نتیجه عامل می‌تواند صبی ممیز، و محجور باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق، ۴، ۴۳۷).

۲- فقها قید دیگری با عنوان «امکان تحصیل العمل» را برای عامل شرط کرده‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۸ ه ق، ۳، ۱۲۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ ه ق، ۲، ۲۱۵) که با آوردن این قید، قصد خارج کردن عامل کافری که گرفتن قرض از مسلمان به عنوان عمل برای او تعریف شده (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ه ق، ۱۱، ۱۴۷) و یا مواردی که در آن قصد قربت شرط شده را داشته‌اند (عاملی، ۱۴۱۹ ه ق، ۱۷، ۸۵۶).

۳- تعیین عامل نیز در جعاله شرط نیست و می‌تواند مجهول باشد (محقق ثانی، ۱۴۱۴ ه ق) زیرا مالک در جعاله عام به دنبال تحقق خواسته است و هویت عالم برای او مهم نیست.

۵-۴-۱-۴- جعل

عامل در مقابل عملی که انجام می‌دهد، از جاعل، عوضی دریافت می‌کند، مشهور فقها معتقدند همانطور که عوض در اجاره باید معلوم باشد به همان نحو عوض دریافتی در جعاله نیز باید معلوم باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ه ق، ۱۱، ۱۵۳) برخی نیز راه تفصیل را پیش گرفته و جهالتی که مانع تسلیم نباشد و باعث تنازع نشود را مانع صحت جعاله نمی‌دانند. (محقق حلی، ۱۴۰۸ ه ق، ۳، ص: ۱۲۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ ه ق، ۲، ۲۱۵؛ فخر المحققین حلی، ۱۳۸۷ ه ق، ۲، ص: ۱۶۳).

۵-۴-۱-۵- عمل

در جعاله برای عمل سه شرط قرار داده شده است؛ عمل باید مقصود (محقق حلی، ۱۴۰۸ ه ق، ۳، ص: ۱۲۶، علامه حلی، ۱۴۱۳ ه ق، ۲، ۲۱۵؛ شهید اول، ۱۴۱۰ ه ق، ۱۶۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ ه ق، ۴، ۴۳۷)، محلل (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ه ق، ۱۱، ۱۵۲) معلوم یا مجهول فی الجمله باشد (محقق حلی، ۱۴۰۸ ه ق، ۳، ۱۲۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ ه ق، ۲، ۲۱۵؛ شهید اول، ۱۴۱۰ ه ق، ۱۶۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ ه ق، ۴، ۴۳۷).

۵-۴-۲- بررسی انطباق استخراج رمز ارزها بر جعاله

استخراج رمز ارزها بر جعاله در چند مورد مطابق است؛

۱- ایجاب و قبول؛ آنچه مسلم است، با توجه به ناشناس بودن مخترع بیت کوین به عنوان اولین رمز ارز، بیانیه لفظی رسمی برای استخراج رمز ارزها منتشر نشده است حال ممکن است، انتشار مقاله و توضیح چگونگی سیستم بیت کوین و یا نسخه نرم افزاری که در سال ۲۰۰۹ و شروع استخراج رمز ارزها به عنوان ایجاب فعلی و به شکل معاطاطی در نظر گرفت. قبول در استخراج رمز ارزها نیز با فعل عامل است و مطابق بر قواعد جعاله است.

۲- جاعل؛ هر چند هویت ساتوشی ناکاموتو، مشخص نیست ولی وجود ویژگی‌هایی هم چون بلوغ، عقل، رشد، قصد به نظر قطعی می‌رسد زیرا نبوغ وی در بستر سازی و ایجاد چنین شبکه‌ای بدون وجود این ویژگی‌ها غیر ممکن است. داشتن رضایت با

توجه به اینکه شخصا اقدام به انتشار مقاله ای در خصوص بیت کوین نموده نیز عاقلانه تر است. وجود افلاس نیز در او نامشخص است و مادامی که دلیل برای افلاس وی قائم نشده نمی توان حکم به افلاس او نمود پس اهلیت تصرف را برای فردی که اقدام به انتشار این پلتفرم نموده می توان فرض کرد.

۳- عامل؛ ماینر هر سه ویژگی عامل را دارد زیرا رعایت شروطی که در جاعل لازم بوده برای عامل نیاز نیست و صبی غیر ممیز و مجنون هم عملا نمی توانند به ماینینگ بپردازند، امکان تحصیل عمل در ماینر وجود دارد و هر چند در استخراج رمز ارزها هویت ماینر نامعلوم است ولی از این نظر، آسیبی به جعاله بودن استخراج رمز ارز از این جهت نمی رساند.

۴- جعل؛ هر یک از رمز ارزها بسته به نوع طراحی که دارد پاداشی برای استخراج رمز ارزها قرار می دهد، به طور مثال در حال حاضر، پاداش استخراج بلوک در بیت کوین، 6.25 BTC است.

۵- عمل؛ ماینینگ (عمل استخراج) در استخراج رمز ارزها این عمل هر سه شرط لازم در جعاله را دارد زیرا اولاً؛ مقصود عقلا است به طوری که امروزه اقشار مختلفی اقدام به استخراج رمز ارزها می کنند و با توجه به سودآوری نسبتاً خوبی که دارد، مورد رغبت عقلا قرار گرفته است.

ثانیاً؛ عمل معلومی است زیرا؛ عمل (ماینینگ) به چند روش قابل اجراست که همگی فرایندی مشخص هستند. ثالثاً؛ عملی جایز است زیرا؛ تا وجود نهی از جانب شرع که به نوعی این عمل را در بر گیرد ثابت نشود نمی توان از این عمل بازداشت. اکل به باطل بودن و یا مصرف زیاد انرژی در بررسی انطباق استخراج رمز ارزها بر اجاره مورد بررسی قرار گرفت.

نتیجه

از تطبیق استخراج رمز ارزها با ارکان و شروط ابواب فقهی مشابه آن، چنین بر می آید که؛

۱- استخراج رمز ارزها را نمی توان نوعی اجاره دانست زیرا هر چند بتوان در تعریف، عوض و عمل استخراج رمز ارزها را با اجاره مشابه در نظر گرفت ولی در شروط متعاقدين (استخراج کننده برخلاف مستاجر، می تواند محجور یا صبی ممیز باشد)، ایجاب (یک ایجاب به شکل کلی وجود دارد و برای تک تک افراد به صورت جداگانه ایجاب صادر نشده است) و شروط مربوط به مستاجر (در استخراج رمز ارزها برخلاف اجاره، استخراج کننده می تواند از نظر تعداد و هویت نامشخص باشد)، انطباق ندارند.

۲- استخراج رمز ارزها بر حیازت مباحات منطبق نمی شود زیرا، با وجود مطابقت در قصد، شروط عامل و شرط اصالت و مباشرت، این دو تفاوت موضوعی دارند؛ حیازت تنها به دو شکل اصلی و بالعرض اتفاق می افتد که در هیچ یک منطبق بر استخراج رمز ارزها نیست و همچنین نمی توان استخراج رمز ارزها را نوعی معدن کاوی در نظر گرفت زیرا؛ در حیازت معدن، چیزی پنهان و یا قابل استخراج وجود دارد و با تلاش می توان آن ها را استخراج کرد ولی در رمز ارزها این طور نیست که تعدادی رمز ارز وجود داشته باشد که فرد با به کارگیری ابزاری آنها را برگیرد بلکه درقبال کاری که انجام داده است، مقداری رمز ارز به او داده می شود.

۳- استخراج رمز ارزها با هبه می تواند در ایجاب و قبول، عوض و عمل منطبق شود ولی در ماهیت (استخراج رمز ارزها روح هبه و هدیه را ندارد چراکه سیستم ابتدائاً هیچ قصدی برای دادن هدیه ندارد و تنها آن را در قبال انجام عملی که خواسته شده است می پردازد.)، موجب و قابل (محجور و صبی ممیز بودن در هبه بر خلاف استخراج رمز ارزها قابل پذیرش نیست) و قبض (فی المجلس در هبه بر خلاف آنچه در استخراج رمز ارز اتفاق می افتد، شرط است) با هم در ناسازگاری دارند.

۴- استخراج رمز ارزها بر جعاله عام قابل انطباق است؛ زیرا در تمامی ارکان؛ ایجاب و قبول (در هر دو ایجاب و و قبول فعلی وجود دارد)، جاعل (جاعل باید اهلیت تصرف داشته باشد ولی احراز این شرط به دلیل ناشناس بودن ساتوشی ناکاموتو، مبدع رمز ارزها ممکن نیست هر چند وجود ویژگی هایی چون؛ بلوغ، عقل، رشد، قصد به نظر قطعی می رسد زیرا نبوغ وی در بستر سازی و ایجاد چنین شبکه ای بدون وجود این ویژگی ها غیر ممکن است. داشتن رضایت با توجه به اینکه شخصا اقدام به انتشار مقاله ای در خصوص بیت کوین نموده نیز عاقلانه تر است. وجود یا عدم وجود افلاس در او نامعلوم است ولی هزینه بر بودن طراحی این شبکه، می تواند به نوعی موبد عدم محجوریت مالی مبدع باشد و شاید بتوان مادامی که دلیل برای افلاس وی قائم نشده، حکم به عدم افلاس او داد، عامل (عامل در هر دو می تواند، نامعین، کودک ممیز و محجور باشد)، عمل (در هر دو، عمل، مقصود عقلا، معلوم و جایز است) و جعل (در هر دو معلوم است هر چند جهل فیالجمله در جعاله قابل پذیرش است) استخراج رمز ارزها با جعاله منطبق می شود.

۵- در صورتی که مسامحتا استخراج رمز ارزها را بر جعاله منطبق نماییم، به معنای آن نیست که این عمل مشروع است بلکه مشکلات دیگری همچون عدم مالیت رمز ارزها، سفتهی بودن استخراج رمز ارزها و... وجود دارد که در پژوهش های دیگری باید مورد بررسی قرار گیرند.

منابع

۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب)، ۴ جلد، علامه - قم، چاپ: اول، ۱۳۷۹ ق.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت؛ دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۳. اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، ۱۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۰۳ هـ ق.

۴. اصفهانی، سید ابو الحسن، وسیلة النجاة (مع حواشی الإمام الخميني)، در يك جلد، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، قم - ایران، اول، ۱۴۲۲ هـ ق
۵. امامی، سید حسن، حقوق مدنی (امامی)، ۶ جلد، انتشارات اسلامیة، تهران - ایران، بی تا
۶. بستانی، فزاد افرام، فرهنگ ابجدی، دوم، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۷۵ ش
۷. چلونگر، محمدعلی؛ محمود آبادی، سید اصغر؛ داداش نژاد، منصور، بررسی و بازبای کتاب مفقود الخصائص العلویة نظری، علوم حدیث، ۱۳۸۸ ش.
۸. حائری، سید علی بن محمد طباطبایی، ریاض المسائل (ط - الحدیثة)، ۱۶ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۱۸ هـ ق
۹. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تبصرة المتعلمين في أحكام الدين، در يك جلد، مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران - ایران، اول، ۱۴۱۱ هـ ق
۱۰. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية (ط - الحدیثة)، ۶ جلد، مؤسسه امام صادق عليه السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۰ هـ ق
۱۱. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذكرة الفقهاء (ط - الحدیثة)، ۱۴ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۱۴ هـ ق
۱۲. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تلخیص المرام في معرفة الأحكام، در يك جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۲۱ هـ ق
۱۳. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، قواعد الأحكام في معرفة الحلال و الحرام، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۳ هـ ق
۱۴. حلّی، فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف، إيضاح الفوائد في شرح مشكلات القواعد، ۴ جلد، مؤسسه اسماعیلیان، قم - ایران، اول، ۱۳۸۷ هـ ق
۱۵. حلّی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام، ۴ جلد، مؤسسه اسماعیلیان، قم - ایران، دوم، ۱۴۰۸ هـ ق.
۱۶. خراسانی، آخوند محمد کاظم بن حسین، حاشیة المكاسب (للاخوند)، در يك جلد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران - ایران، اول، ۱۴۰۶ هـ ق
۱۷. خراسانی، علی محمدی، شرح تبصرة المتعلمين (محمدی)، دو جلد، بی تا.
۱۸. خمینی، سید روح الله موسوی - مترجم: اسلامی، علی، تحرير الوسيلة - ترجمه، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، ۲۱، ۱۴۲۵ هـ ق
۱۹. خمینی، سید روح الله موسوی، تحرير الوسيلة، ۲ جلد، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم - ایران، اول، بی تا.
۲۰. خمینی، سید روح الله موسوی، کتاب البیع (للإمام الخميني)، ۵ جلد، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، تهران - ایران، اول، ۱۴۲۱ هـ ق
۲۱. خوانساری، محمد امامی، الحاشیة الثانية على المكاسب (للخوانساري)، در يك جلد، اول، بی تا.

٢٢. خويى، سيد ابو القاسم موسوى، منهاج الصالحين (للخونى)، ٢ جلد، نشر مدينة العلم، قم - ايران، ٢٨، ١٤١٠ هـ ق
٢٣. سليمانى پور، سلطانى نژاد، پر مطهر؛ دوفصلنامه علمى پژوهشى تحقيقات مالى اسلامى، سال ششم، شماره دوم (پياپى ١٢)، بهار و تابستان ١٣٩٦.
٢٤. طاهرى، حبيب الله، حقوق مدنى (طاهرى)، ٥ جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم - ايران، دوم، ١٤١٨ هـ ق
٢٥. طريحي، فخر الدين بن محمد، مجمع البحرين، تهران؛ مرتضوى، چاپ سوم، ١٣٧٥ ش
٢٦. طوسى، محمد بن على بن حمزه، الوسيلة إلى نيل الفضيلة، در يك جلد، انتشارات كتابخانه آية الله مرعشى نجفى - ره، قم - ايران، اول، ١٤٠٨ هـ ق
٢٧. عاملى، سيد جواد بن محمد حسيني، مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة (ط - الحديثة)، ٢٣ جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم - ايران، اول، ١٤١٩ هـ ق
٢٨. عاملى، شهيد اول، محمد بن مكى، الدروس الشرعية في فقه الإمامية، ٣ جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم - ايران، دوم، ١٤١٧ هـ ق
٢٩. عاملى، شهيد اول، محمد بن مكى، اللمعة الدمشقية في فقه الإمامية، در يك جلد، دار التراث - الدار الإسلامية، بيروت - لبنان، اول، ١٤١٠ هـ ق
٣٠. عاملى، شهيد ثانى، زين الدين بن على، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية (المحشى - كلاتر)، ١٠ جلد، كتابفروشى داورى، قم - ايران، اول، ١٤١٠ هـ ق
٣١. عاملى، شهيد ثانى، زين الدين بن على، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، ١٥ جلد، مؤسسة المعارف الإسلامية، قم - ايران، اول، ١٤١٣ هـ ق
٣٢. عاملى، كركى، محقق ثانى، على بن حسين، جامع المقاصد في شرح القواعد، ١٣ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ايران، دوم، ١٤١٤ هـ ق
٣٣. عاملى، كركى، محقق ثانى، على بن حسين، رسائل المحقق الكركي، ٣ جلد، كتابخانه آية الله مرعشى نجفى و دفتر نشر اسلامى، قم - ايران، اول، ١٤٠٩ هـ ق
٣٤. عميدى، سيد عميد الدين بن محمد اعرج حسيني، كنز الفوائد في حل مشكلات القواعد، ٣ جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم - ايران، اول، ١٤١٦ هـ ق
٣٥. عوالي ابن أبى جمهور، محمد بن زين الدين، عوالي اللئالي العزيزية في الأحاديث الدينية، ٤ جلد، دار سيد الشهداء للنشر - قم، چاپ: اول، ١٤٠٥ ق.
٣٦. فراهيدى، خليل بن أحمد، كتاب العين، قم؛ نشر هجرت، چاپ دوم، ١٤٠٩ ق
٣٧. فيومى، أحمد بن محمد، المصباح المنير في غريب الشرح الكبير، قم؛ مؤسسه دار الهجرة، چاپ دوم، ١٤١٤ ق
٣٨. مازندراني، على اكبر سيفى، دليل تحرير الوسيلة - أحكام الأسرة، در يك جلد، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى قدس سره، تهران - ايران، اول، ١٤٢٩ هـ ق

۳۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، ۱۱۱ جلد، دار إحياء التراث العربي - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.
۴۰. محسن خردمند، بررسی فقهی استخراج و مبادله رمز ارزها با تمرکز بر شبکه «بیت کوین»، مجله معرفت اقتصاد اسلامی، سال دهم، شماره دوم، پیاپی ۲۰، بهار و تابستان ۱۳۹۸ ش.
۴۱. محسن خردمند، مجله معرفت اقتصاد اسلامی، سال دهم، شماره دوم، پیاپی ۲۰، بهار و تابستان ۱۳۹۸ ش.
۴۲. مصطفوی، سید محمد کاظم، فقه المعاملات، در یک جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۲۳ ه.ق.
۴۳. مصطفوی، سید محمد کاظم، مائة قاعدة فقهية، در یک جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، چهارم، ۱۴۲۱ ه.
۴۴. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام في شرح شرائع الإسلام، ۴۳ جلد، دار إحياء التراث العربي، بیروت - لبنان، هفتم، ۱۴۰۴ ه.ق.
۴۵. نواب پور، یوسفی و طالبی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی / سال هیجدهم / شماره ۷۲ / زمستان ۱۳۹۷.
۴۶. هافمن، ترجمه مصطفی دهقان، بی تا، انتشارات داریا، بی جا
۴۷. یزدی، سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه (محقق داماد)، ۴ جلد، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران - ایران، دوازدهم، ۱۴۰۶ ق
۴۸. <https://arztoday.com/satoshi-nakamoto/#1wptoc8>
۴۹. <https://exchaino.com/mag/bitcoin-halving>
۵۰. <https://khanesarmaye.com/hash/#gref>